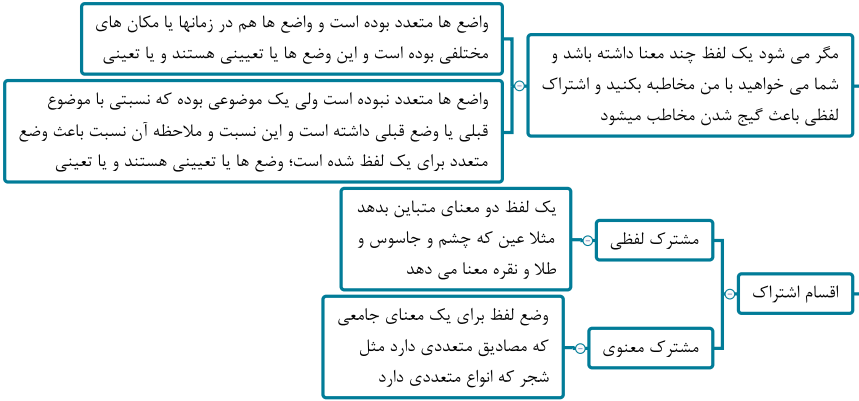
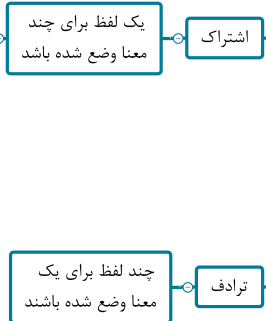
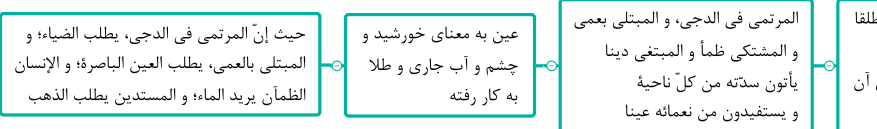
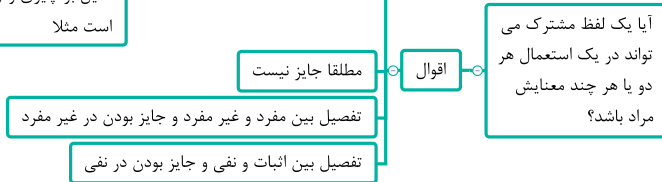


الامر الثامن و ناسع و عاشر

الأمر الثامن: الاشتراك و الترادف



الأمر التاسع: استعمال المشترك فی أكثر من معنی



هر یک از الفاظ شرعی قبل از وضع شارع یک معنایی داشته و شارع معنا را تغییر داده است

حقیقت شرعیه این است که به واسطه شرع معنای لفظی عوض شود

به این ها حقیقت لغوی می گویند

الصلاة و الصوم و الزکاة و الحج
الدعاء، و الإمساک، و النمو، و القصد

الأمر العاشر: الحقیقة الشرعیة و المتشرعیة

آیا این اتفاق زمان پیامبر افتاده یا زمان بعد از پیامبر؟



به صورت تعیینی و تعیینی در زمان خود پیامبر انتقال وضع شده است

این الفاظ در زمان خود پیامبر به شدت داشتند استعمال می شدند و بعید است که این حقایق در معنای خودشان استفاده نشده باشند

اگر می خواست زمان پیامبر حقیقت شرعیه باید یک وضع جدیدی می شد یا تعیینی یا تعیینی؛ اولی که بعید است زیرا اگر شده بود به ما نقل می شده که نشده؛ دومی هم نیازمند کثرت استعمال است و وقت طولی دارد که در زمان پیامبر این وقت طولی نبوده است

ملاحظه مولف نسبت به این نظر: زمان پیامبر شامل ۲۳ سال بوده است؛ و این یک مدت زمان قلیلی نیست که وضع تعیینی اتفاق بیفتد؛ انکار این حرف مکابره (حرف زور) است

نقد مولف

ظاهر این است که این بحث ثمره ای ندارد؛ به خاطر اینکه خیلی کم اتفاق می افتد که ما در معنای آورده در کتاب و سنت شک داشته باشیم

پس روش بحث در اینجا این است که

یا از استبعاد استفاده می کنند
یا از دلایل تاریخی

تهیه کننده: عقیل رضاناسب

www.talabagi.blog.ir

طلبگی یعنی پا به رکابی